من ثبت علی
و لایتنا فی
غیبة قائمنا
أعطاه الله
أجر ألف
شهید
مثل شهداء
بدر و
احد

کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد، خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد.

فرهنگ‌نامه اربعین

معنای زیارت

زیارت در لغت، به معنای روی گرداندن و عدول کردن از چیزی است. به همین دلیل، به «دروغ» نیز که مایل و منحرف از حقیقت است، «زور» گفته می‌شود. فرد زیارت کننده را از آن جهت زائر می‌گویند که به هنگام زیارت یك شخص، از غیر او روی برمی گرداند. اما معنای عرفی زیارت، آن است که انسان با انگیزه انس گرفتن و بزرگداشت، به کسی روی آورد؛ یعنی دیداری که همراه با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی باشد.

تازه‌های نشر

«تعامل با دوستان» به کتاب‌فروشی‌ها رسید

«تعامل با دوستان بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت(ع)» اثر سیدعلی سادات‌فخر به چاپ رسید.

به گزارش رواق به نقل از روابط عمومی نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، کتاب «تعامل با دوستان بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت(ع)» که در پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه شده، یکی از مدخل‌های فرهنگ‌نامه سبک زندگی است که به صورت کتابچه‌های مستقل با این عنوان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. در این اثر پس از مفهوم‌شناسی و مبانی و گستره سبک زندگی، اهمیت همکاری با دوستان و مفهوم‌شناسی دوست مورد بررسی قرار گرفته و معیار دوست‌گزینی تبیین شده است. نویسنده در ادامه این اثر، شناخت اعتقادات دوست و اصل بنیادین رفتار با دوستان را بیان و بر رعایت قاعده زرین تأکید کرده است.

سپس عوامل نگهداشت دوستی بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت(ع) تبیین شده که از جمله این رفتارها می‌توان به محبت، ایمان به خداوند، پیوند نسبی و سببی و رعایت انصاف اشاره کرد.

«اهداف تعامل با دوستان» از دیگر مباحث این اثر است که در این راستا بر همدردی و مواسات، نیازهای اقتصادی و نیازهای روانی و معنوی بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت(ع) توصیه شده است. در این اثر «آثار تعامل با دوستان» تشریح شده که در این راستا رفع کدورت و دشمنی، تحکیم پایه‌های ایمان و افزایش مکارم اخلاقی و انسانی تبیین شده است.

در پایان «شیوه تعامل با دوستان» مورد بحث و بررسی قرار گرفته که از جمله این شیوه‌ها می‌توان به رعایت ادب در سخن، رایزنی و مشورت، رعایت ادب در گوش‌سپاری، رازداری، امانت‌داری، خوش‌گمانی، امیدآفرینی، نیکی، وفای به وعده، هدیه دادن، رعایت عدالت، ترک دوستی با دشمن دوست و بخشش لغزش‌ها پرداخت.

در بخشی از این اثر با عنوان «آثار تعامل با دوستان» می‌خوانیم:

۱- رفع کدورت و دشمنی: ایجاد ارتباط، برقراری دوستی و تعامل دوستانه تأثیر مستقیمی در رفع کدورت و دشمنی دارد. یکی از مهم‌ترین هنرهای انسان، تبدیل دشمن به دوست است. در قرآن نیز دستور داده شده با دشمن به روش احسن تعامل شود تا تبدیل به دوست شود.

۲- تحکیم پایه‌های ایمان: پایه‌های ایمان در تعامل با دوستان مسلمان تحکیم می‌شود؛ همچنین به‌وسیله تعامل با دوستان اهل بیت(ع)، ولایتمداری و عشق به خاندان عصمت و طهارت تقویت می‌شود.

۳- افزایش مکارم اخلاقی و انسانی: یکی از آثار مشهود روابط انسان‌ها تأثیرپذیری از رفتار و گفتار همدیگر است. به همین دلیل بسیار تأکید شده انسان آگاهانه دوست انتخاب کند؛ زیرا اگر دوست بد و شرور انتخاب کند با مشکل روبه‌رو خواهد شد و سالم نمی‌ماند. البته نکته مهم این است انسان باید قدرتمند و تأثیرگذار باشد تا بتواند در تعامل با دوستان رفتار و گفتار آنان را در جهت صحیح تغییر دهد؛ اگر احساس کرد نمی‌تواند تأثیرگذار باشد باید قطع رابطه کند.

تعامل با دوستان

تفسیر
آیت‌الله علم‌الهدی

بشارت‌های قرآن به وجود اقدس امام زمان(عج) - بخش هجدهم

در ادامه تبیین ارتباط آیه ۱۴۸ سوره بقره به عنوان ششمین آیه مهدوی قرآن با وجود نازنین حضرت مهدی(عج)، برخی دیگر از روایاتی که در این باره از حضرات معصومان نقل شده را بررسی می‌کنیم.

ابوخالد کابلی از یکی از دو امام چهارم یا پنجم نقل کرده که ایشان ضمن یادکرد از اصحاب حضرت مهدی(عج) با عنوان «فُقدا» به مثابه افرادی که شب‌هنگام از میان رختخواب خود ناپدید می‌شوند و صبح در مکه هستند، عبارت «أَیْنَ مَا تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعًا» در آیه مورد اشاره را ناظر به جمع شدن یاران امام زمان(عج) در کنار یکدیگر برای نصرت آن حضرت دانستند: «الفقداء قوم یفقدون من فرشِهِم فیصبحون بمکه، و هو قول الله عز و جل: أَینَ ما تَکُونوا یَأتِ بِکُمُ اللّهُ جَمیعاً، و هم أصحاب القائم (علیه‌السلام)». (البرهان، ج ۱، ص ۳۴۷) صرف‌نظر از تناسب معنایی عبارت «یفقدون من فرشهم» با عنوان فقدا، معنای دیگری که از فقدا ممکن است به ذهن برسد این است اصحاب امام زمان افراد گمنامی هستند که در جامعه آخرالزمان در بین مردم ناشناخته‌اند. چنان‌که در زمان خود ائمه از برخی اوتاد با عنوان گمشده‌ها یاد می‌شده است.

در روایت دیگر، مفضل بن عمر از امام صادق(ع) نقل کرده زمانی که به امام اذن داده شود، خداوند او را به اسم عبرانی‌اش می‌خواند و اصحاب او که ۳۱۳ نفر و همچون ابرهای پاییزی هستند را برای وی انتخاب می‌کند. آنان صاحبان پرچم هستند. بعضی از آنان شب‌هنگام در رختخواب خود گم (ناپدید) می‌شوند و صبح در مکه حضور خواهند یافت. بعضی از آن‌ها هم کسانی هستند که در روز با ابر حرکت می‌کنند که آنان با تمام مشخصاتشان در دنیا شناخته شده‌اند: «إذا اذن الإمام دعا الله عز و جل باسمه العبرانی، فانتجب له أصحابه الثلاث مائه و ثلاثه عشر...». مفضل بن عمر می‌گوید از امام صادق(ع) پرسیدم در بین این دودسته، کدام یک از نظر ایمان بزرگ‌ترند؟ امام در پاسخ فرمودند: کسانی‌اند که در روز با ابر حرکت می‌کنند و آنان گمشدگان‌اند؛ این آیه در مورد این‌ها نازل شده است.

با توجه به تفاوت ابرهای پاییزی با ابرهای زمستان و بهار که ابرهای پاییز پراکنده اما ابرهای زمستان به هم متصل و ابرهای بهاری به هم فشرده‌اند می‌توان گفت وجه تشبیه این ۳۱۳ نفر به ابرهای پاییزی در این است که ایشان از اطراف دنیا به‌صورت پراکنده جمع می‌شوند و به هم متصل می‌شوند.

برگی از تاریخ

ماجرای حمل جنازه ایرانی‌ها به عتبات به روایت مستشرقین اروپایی

قدیم‌ها چگونه جنازه را از ایران به کربلا می‌بردند؟!

در دوره قاجار ایرانیان بسیاری پس از فوت، در کربلا مدفون شدند اما در آن‌دوره که راه‌ها طولانی بود و امکاناتی هم برای سرد نگه‌داشتن اجساد در اختیار نبود چگونه پیکرهای درگذشتگان را به کربلا می‌رساندند؟ این خود داستانی دارد.

به گزارش فارس، ایرانیان مدفون در کربلا بسیارند؛ از مردم عادی و گمنام گرفته تا علما و سیاستمداران نامدار و افراد مشهوری همچون امیرکبیر و مظفرالدین شاه قاجار. روش رساندن پیکرها به کربلا و عتبات عالیات هم آن‌گونه بود که «مری وولف شیل» ایرلندی در عهد ناصری در خاطراتش نوشته است: «چندی پس از ورود ما به تهران یک‌روز که مشغول سواری در خارج از شهر بودیم با کاروانی همراه شدیم که رو به بغداد می‌رفت و میان این کاروان قاطرهایی را مشاهده کردیم که جعبه‌های چوبی باریک و درازی را در دو طرف آن‌ها به صورت افقی بسته بودند... پس از پرسش از کاروانیان معلوم شد این جعبه‌ها حاوی اجسادی است که در حین حرکت کاروان از شهرهای مختلف ایران جمع‌آوری شده و اکنون برای دفن به سوی کربلا برده می‌شود».

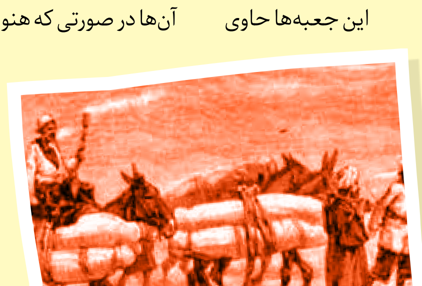

آمار دفن ایرانیان در کربلا در دوره قاجار نیز چنان بود که «جان اشر» شرق‌شناس انگلیسی در گزارشی از کربلا در سال ۱۲۴۳ خورشیدی نوشته است: «شهری بود پرهیجان و پرتجارت که اصلاً تعطیلی نداشت. همه‌وقت بازارها پر از زوار بود... از شهرهای دور جنازه مرده‌ها را به شهر کربلا منتقل می‌کردند، اول آن‌ها را به دور قبر حسین(ع) طواف می‌دادند، بعد به خاک می‌سپردند. حکومت ترک [عثمانی] نیز مقداری پول بابت هر جنازه می‌گرفت. گاه سیل جنازه به سوی شهر سرازیر می‌شد و مسئولان دروازه‌ها از ورود آن‌ها ناراحت می‌شدند؛ زیرا ترافیک عمومی شهر به هم می‌خورد و بیش از هر چیز احتمال شیوع مرض، دولت را به وحشت می‌انداخت. گاهی اوقات از کشور ایران هزار جنازه در یک‌زمان می‌رسید و با هر جنازه حداقل یک یا دو نفر از نزدیکان متوفی همراه می‌آمدند».

■ بازرسی بهداشتی با میخ‌های آهنی!

حمل جنازه‌ها به کربلا که بدون تجهیزات لازم انجام می‌شد دردسرهای فراوانی داشت و «هانری بایندر» فرانسوی درباره‌اش نوشته است: «برای حمل جنازه‌ها هزاران کاروان از دورترین نقاط ایران روان می‌کردند. اجساد را یا در تابوت‌های چوبی گذاشته یا فقط آن را در پوشال یا فرش پیچیده، هر دو سه یا چهار جسد را به هم بسته بر پشت اسب حمل می‌کنند. در زیر این آفتاب سوزان بوی غیرقابل تحملی که از این اجساد منتشر می‌شود طی یک سفر چندین هفته‌ای استشمام می‌شود».

در مرز ایران با عثمانی [آن‌موقع عراق بخشی از امپراتوری عثمانی بود] نیز وضعیت این‌گونه بود: «کارگزاران عثمانی برای جلوگیری از شیوع هر نوع امراض در خاک امپراتوریشان، سیستم قرنطینه را در مرزهای ایران و عثمانی ایجاد کردند؛ بدین‌ترتیب زائران ایرانی و همچنین جنازه‌ها بایست چندین روز در این مکان‌ها نگهداری می‌شدند و پزشکانی از سوی هر دو دولت بر انجام خدمات بهداشتی و معاینه گماشته می‌شدند... تنگی جا، نبود نظافت درست و مدت قرنطینه که معمولاً ۱۵ روز طول می‌کشید از عواملی بود که اعتراض زائران و کارگزاران دولت ایران را در پی داشت».

یک نفر هم برای تاریخ نوشته در قرنطینه‌ها این پیکرهای اموات چه دردسرهایی از دست عثمانی‌ها داشتند تا به کربلا برسند و یک‌نمونه‌اش این است: «به‌خاطر جلب نفع خودشان از صاحبان جنازه، میخ‌های آهنی در دست گرفته به سر جنازه آمده... ایرادات می‌گیرند و بعد جنازه را... از کفن خارج نموده چند مرتبه از آن میخ‌ها به بدن میت، به بهانه اینکه معلوم بشود از امراض مسریه و امراض عادیه فوت نموده است، فرو کرده اگر صاحب جنازه حاضر است، مخفیاً وجهی گرفته اجازه حمل می‌دهند؛ والا ۴۰-۳۰ جسد میت را در گودالی ریخته و قدری خاک بر آن‌ها می‌ریزند».

■ قرارداد جدید و مالیات بهداشتی!

مشکلات حمل جنازه به کربلا و عتبات عالیات موجب شد دولت ایران و حکومت عثمانی دنبال چاره بگردند و سرانجام در سال ۱۲۴۸ خورشیدی قراردادی میان سفیر ایران با والی بغداد منعقد و تکلیف این شد: «جنازه‌هایی که از ممالک ایران به عتبات عالیات حمل می‌شد چون آوردن آن‌ها در صورتی که هنوز در حال میت است نظر حفظ الصحه [از نظر سلامت و بهداشت] موجب بعضی مضرات است لهذا قرار داده شد کسانی که در ایران وفات می‌کنند تا سه سال از زمان دفن آن‌ها در قبرستان محل فوت نگذرد هیچ یک از جنازه‌های آن ها از حدود ممالک دولت عثمانی عبور داده نخواهد شد...

در ظرف سه ماه از تاریخ این مقاوله‌نامه، هیچ جنازه از ممالک دولت علیه ایران عبور داده نشود و جنازه یا نعش‌هایی که در حال استخوان آورده می‌شوند، حاملین آن استشهادنامه که مبین انقضای سه سال از تاریخ وفات آنان باشد در دست داشته باشند».

پس از امضای این قرارداد تعدادی ایستگاه قرنطینه و بازرسی بهداشتی در مسیرهای حمل جنازه از ایران به کربلا ساخته شد و البته دردسرها باز هم تمام نشد و این‌گونه بود: «مأموران عثمانی گاهی اوقات جنازه‌هایی را که علائم بیماری چون طاعون و وبا در آن‌ها ظاهر می‌شد، می‌سوزاندند. این اقدام مأموران عثمانی، افزون بر اعتراض دولت ایران، حتی اعتراض علمای عتبات عالیات را نیز به دنبال داشت». شکایت دیگر ایران از دولت عثمانی اینکه: «مقدار پولی که مأموران عثمانی از صاحبان جنازه‌ها دریافت می‌کردند مالیات بهداشتی نام داشت که در قوانین گمرکی در امپراتوری عثمانی به تصویب رسید اما اجرای این قانون توسط مأموران عثمانی در مرزها با اصل آن منافات داشت و میزان مالیاتی که کارگزاران عثمانی به بهانه‌های مختلف می‌گرفتند بسیار متفاوت بود».

■ مشکلات تمامی نداشت

گرفتن انواع و اقسام مالیات و باج از صاحبان جنازه‌ها هم یکی دیگر از مشکلات بود و تا وقتی حکومت عثمانی برقرار بود و حتی پس از آن، وضعیت همین بود و تاریخ پُر است از نامه‌ها و اعتراضات دولت ایران به دولت عثمانی. این هم یک‌نمونه‌اش در نامه‌ای از کنسولگری ایران: «با اینکه جنائز [جنازه‌ها] در کرمانشاهان به مهر طبیب صحیه عثمانی می‌رسد و ۲۱ قران هم پول می‌دهند مجدداً جنائز را در خانقین باز نموده و در کمال بی‌ادبی و بی‌احترامی مهر و لاک طبیب صحیه کرمانشاهان را می‌شکنند و از هر جنازه ۲۵هزار پول می‌گیرند؛ ثانی [دوباره] مهر و لاک می‌نمایند. همین‌طور دم دروازه کربلا چنین زحمت... می‌دهند و ۲۵ هزار دیگر می‌گیرند».

بنا به گواهی تاریخ، گاهی حاکمان محلی نیز در مسیر حرکت جنازه‌ها از کاروان‌ها پول می‌گرفتند و خلاصه اینکه در تمامی این سال‌ها داستان حمل جنازه‌ها به عتبات عالیات تمامی نداشت که نداشت!

دکتر سعید طاووسی مسرور از اهمیت، مسائل و منابع «تاریخ اجتماعی زیارت شیعیان» می‌گوید

فصل هویت‌ساز شیعه

تابلو فرش ابریشمی بارگاه منور امام رضا(ع) اهدا شده توسط مرحوم فیض‌الله صفدرزاده حقیقی به موزه فرش آستان قدس رضوی

فاطمی‌نژاد | دکتر سعید طاووسی مسرور در نشست علمی «تاریخ اجتماعی زیارت شیعیان» گفت: امروز شرایط طوری شده که افراد به‌راحتی مشرف می‌شوند اما آن جایگاهی که زیارت در اذهان داشت برایشان عادی‌سازی شده است. چگونه می‌توانیم آن قدسیت را به زیارت برگردانیم؟ این مراسم‌ها را اول باید شناخت بعد ثبت و پس از آن احیایشان کرد.

به گزارش رواق، در نشست علمی که به همت گروه ادیان و مذاهب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی برگزار شد، دکتر سعید طاووسی مسرور، عضو هیئت علمی گروه شیعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی به بررسی اهمیت، مسائل و منابع «تاریخ اجتماعی زیارت شیعیان» پرداخت. آنچه می‌خوانید مشروح ارائه سعید طاووسی مسرور در این نشست است.

■ عزاداری امام حسین(ع) خاص شیعه امامی نیست

نخستین مسئله‌ای که قصد دارم بیان کنم اهمیت تاریخ اجتماعی زیارت است، چراکه یکی از جنبه‌های پررنگ تشیع، مناسک آن است؛ یعنی به طور خاص در مقوله‌هایی مانند زیارت از سایر مذاهب متمایز می‌شویم. البته زیارت در میان همه مذاهب اسلامی به جز تعداد کمی مانند وهابیت و جریان‌های سلفی مشترک است و اساساً در طول تاریخ کسی با زیارت مشکلی نداشته است.

توجه ویژه‌ای که به زیارت و دعا در تشیع هست در سایر مذاهب وجود ندارد. کتابی که مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر موحد ابطحی درباره ادعیه چهارده معصوم گردآوری کرده نشان می‌دهد چه میزان دعای مأثور داریم. خود عزاداری نیز همین‌طور است. من مقاله‌ای با عنوان «عزاداری اهل تسنن» دارم که در آنجا بیان کرده‌ام حتی عزاداری امام حسین(ع) خاص شیعه امامی نیست، بلکه همه مذاهب به‌خصوص حنفی‌ها و شافعی‌ها و نه فقط در ایران بلکه در جای جای جهان اسلام برای حضرت سیدالشهدا(ع) عزاداری می‌کنند؛ مقام رأس‌الحسین در مصر از همین نمونه‌هاست. اما آن توجهی که در مذهب ما به عزاداری می‌شود در جای دیگر وجود ندارد. بنابراین اگر ادعایمان روی این نقاط است که جزو نقاط شاخص تشیع به شمار می‌روند جا دارد بیش از پیش روی آن‌ها کار شود.

■ فواید پژوهش در تاریخ اجتماعی زیارت شیعیان

ممکن است این پرسش مطرح شود گردآوری این داده‌ها برای امروز ما چه فایده‌ای دارد؟ نخست باید این مطالعات انجام شود تا بعد ببینیم از آن‌ها چه چیزی درمی‌آید. دوم، خیلی از مسائل امروز ما با دوره‌های گذشته مشترک است. مثلاً در دوره صفویه این مسئله پیش روی حکومت ما بوده که زائر ما به خاک دشمن یعنی عثمانی می‌رفته و بالاخره امنیت او در آنجا چه می‌شود و این رفت و برگشت برای آن‌ها چالش محسوب می‌شد. تدبیری که حکومت صفوی می‌کند این است که زیارت امام رضا(ع) را پررنگ‌تر و مردم را به زیارت امام رضا(ع) تشویق می‌کنند. عده‌ای شاعر و نویسنده بسیج کرده بودند که صبح تا شب درباره امام رضا(ع) شعر بگویند. می‌توانیم از این تجربه گذشته استفاده کنیم که چه مسائلی در جهان خارج از تشیع برایشان پیش می‌آمده و چه تدبیرهایی می‌کردند. همین الان که تا حدودی کرونا را پشت سر گذاشته‌ایم، مدتی راه عتبات بسته شد و به صورت یک داغ در انواع و اقسام مداحی‌ها خودش را نشان داد، اما آیا این بار اول بود چنین اتفاقی می‌افتاد؟ خیر، امیرکبیر به خاطر شیوع وبا راه عتبات را مسدود کرد. سؤال اینجاست ما چه استفاده‌ای از آن تجربه کردیم؟ هیچ، چرا؟ چون اصلاً به آن رجوع نکرده‌ایم. حتی شناخت درستی از آن نداریم. خود همین آداب و رسوم، مراسم و کارکردها اگر مطالعه شوند، سودمند خواهند بود. مثلاً در جهان گذشته زیارت امر فاخری بوده به خاطر همین زائر به‌شدت محترم بوده و وقتی یک بار به کربلا می‌رفته تا آخر عمرش این عنوان را یدک می‌کشیده است. زائر وقتی می‌خواست راهی شود چاووش‌خوانی می‌کردند، هنگام برگشت به استقبالش می‌رفتند و هر کدام اشعار مخصوص به خودش را داشته است. اکنون شرایط طوری شده که افراد به‌راحتی مشرف می‌شوند و خوب است که این‌طور شده اما آن جایگاهی که زیارت در اذهان داشت برایشان عادی‌سازی شده است. چگونه می‌توانیم آن قدسیت را به زیارت برگردانیم؟ این مراسم‌ها را اول باید شناخت، بعد ثبت و پس از آن احیایشان کرد. می‌توان به انواع و اقسام کارکردهایی که مزارات ما در دوره‌های مختلف تاریخی داشته مراجعه و آن‌ها را مطالعه کرده و با امروز مقایسه کرد که آیا آن کارکردها هنوز ادامه دارد یا متوقف شده است؟

گزیده

همین الان که تا حدودی کرونا را پشت سر گذاشته‌ایم، مدتی راه عتبات بسته شد و به صورت یک داغ در انواع و اقسام مداحی‌ها خودش را نشان داد، اما آیا این بار اول بود چنین اتفاقی می‌افتاد؟ خیر، امیرکبیر به خاطر شیوع وبا راه عتبات را مسدود کرد. سؤال اینجاست ما چه استفاده‌ای از آن تجربه کردیم؟ هیچ، چرا؟ چون اصلاً به آن رجوع نکرده‌ایم.

مثلاً در ایران زیارتگاه‌هایی داریم که اساساً به دست اهل سنت بنیاد نهاده و بعدها به‌تدریج به زیارتگاه شیعی تبدیل شده‌اند؛ مثال مشهورش مزار شاهِ چراغ است. مزار شاه‌چراغ را اهل سنت در قرن هشتم هجری ساخته‌اند و همه از جمله شیعیان هم به آنجا می‌رفتند که بعدها به یک مزار شیعی تبدیل می‌شود. اما امروزه یکی از مسائلی که داریم این است زائرانی از سایر مذاهب مثلاً اهل سنت یا صوفیه برای زیارت امام رضا(ع) به مشهد می‌آیند در حالی که این مسئله در گذشته وجود داشته است و مزارات هویت مذهبی خاصی نداشتند. در عتبات روی این‌ها فکر می‌کنند. منظورم این است این مسائل در گذشته هم بوده و امروز دارد تکرار می‌شود.

■ راهی برای درک بهتر زیارت و زائر در تشیع

اکنون در دانشگاه‌های ما نگاهی به تاریخ وجود دارد که تاریخ باید کاربردی یا راهبردی باشد. تاریخ باید مسائل امروز ما را حل کند. مثلاً در دوره پهلوی اتفاقاتی برای مزارات ما می‌افتد از جمله اینکه حرم رضوی را از بدنه شهر و بافت شهر برش می‌دهند. مزار در تاریخ تشیع مرکز یک بافت زنده بوده، دور آن بازار و مدرّس و درمانگاه بوده و ولی به یکباره همه این‌ها را کنار می‌زنند و اطراف آن را چمن‌کاری می‌کنند. باید در این زمینه‌ها کار شود. امروز غربی‌ها درباره مسیر زیارت کار می‌کنند؛ چرا از این شهر می‌رفتند و از آن شهر نمی‌رفتند؟ مقاله یا پایان‌نامه یا کتاب می‌نویسند. اگر ما این کارها را انجام دهیم زیارت و زائر در تشیع بهتر درک می‌شود.

تاریخ اجتماعی زیرمجموعه تاریخ است و از تمام روش‌ها، تعاریف و مسائل تاریخ پیروی می‌کند اما رویکرد آن متفاوت است. قرن‌ها رویکرد رایج رویکرد تاریخ سیاسی یا تاریخ بزرگان و نخبگان و سران بوده است اما تاریخ اجتماعی مانند کسی است که در سطح شهر راه می‌رود و مردم را می‌بیند. به جای شاهنامه‌نویسی، مردم‌نامه می‌نویسد. البته همین امر سبب شده تاریخ اجتماعی به تاریخ کاسه بشقابی متهم شود! که البته این‌گونه نیست چراکه تاریخ اجتماعی فقط داده گردآوری نمی‌کند بلکه در این زمینه تحلیل ارائه می‌دهد، جمع‌بندی و بحث ارائه می‌دهد.

■ ۲ راهکاری که در بحبوحه کرونا برای تقویت مقوله زیارت پیشنهاد شد

در نهج‌البلاغه آمده من آنچنان در احوالات گذشتگان غور کردم که گویی یکی از آنان بودم، در تاریخ اجتماعی از مردم عبرت می‌گیریم که خودمان هم یکی از آن‌هاییم. «تاریخ اجتماعی» رشته علمی جوانی است که در دنیا بیش از ۵۰سال و در ایران ۲۰سال بیشتر قدمت ندارد، به همین دلیل ادبیات نظری آن در ایران بسیار کم است اما یکی از حوزه‌هایی که می‌توانیم تاریخ اجتماعی را درگیر کنیم تاریخ اجتماعی دین است، در واقع تاریخ اجتماعی دینِ زیسته و تاریخ اجتماعی مناسک همچون زیارت و عزاداری است. اگر نگاه به یک شعر، کتیبه، رسم و یک آیین، نگاهی هویتی و سندی شد آن وقت نمی‌آییم بگوییم خب که چه؟!

در اوایل دوره کرونا نامه‌ای از طرف تولیت آستان قدس دریافت کردم که از من پرسیده بودند در این دوره کرونا چه پیشنهادهایی دارید که زیارت در اذهان، جای خودش را از دست ندهد؟ من دو راهکار ارائه دادم: یکی اینکه فرهنگ زیارت از دور را ترویج کنید. اصلاً زیارت بد فهمیده شده، زیارت فقط این نیست که بروی و در مزار حاضر شوی. حد مطلوب و نهایت زیارت این است، اگرنه زیارت یعنی از هر جایی به مزور رو کنیم، هرچند چیزی نیز نگوییم. توجه قلبی است که صدق زیارت می‌کند، حالا اگر به آن زیارتگاه رفتی چه بهتر، اگر پیاده رفتی چه بهتر، اگر زیارت منقول از امام صادق(ع) را خواندی چه بهتر. راهکار دوم این بود درباره بزرگانی که به‌خصوص از فرهنگ‌های دیگر به زیارت امام رضا(ع) آمده‌اند مستند و کلیپ بسازید. مثلاً شاهانی که اینجا به زیارت آمده‌اند. وقتی ملکشاه سلجوقی برای جنگ با برادرش تِکِش رفت، به زیارت امام رضا(ع) آمد. منظورم این است این‌ها اصلاً به گوش کسی نخورده؛ این‌ها لابه‌لای کتاب‌ها دفن شده است. از سلطان محمود غزنوی که حرم مطهر امام رضا(ع) را بازسازی کرد و با این کار هم شیعیان خراسان را ساکت کرده و هم به خلیفه بغداد می‌نویسد قبر هارون را مرمت کردم. شخصیت‌های فرهنگی که به اینجا آمده‌اند، شاعران، محدثان و راویان هم همین‌طور.

■ از گونه‌شناسی مزار تا گونه‌شناسی مزور

اما در باب مسائلی که در تاریخ اجتماعی زیارت شیعه می‌توان به آن‌ها پرداخت، یکی گونه‌شناسی مزارات شیعیان است. مثلاً وقتی می‌گوییم زیارت، فقط مقبره به ذهنمان می‌آید در حالی که انواع و اقسام زیارتگاه در شیعه داریم؛ قدمگاه، نمازگاه و غسلگاه نمونه‌هایش هستند. در عراق مثلاً مشهدالمنطقه حضرت امیر را داریم که حضرت در راه صفین در آنجا غسل کردند و نماز به جا آوردند. این مشهدالمنطقه در زمان ابوالعباس نجاشی مرکز علمی بوده و اکنون مسجد براثای فعلی همان مشهدالمنطقه است.

یکی از پرخواننده‌ترین مقالات من زیارتگاه‌های افغانستان است. زیارتگاه‌هایی که بسیار برای آن‌ها مهم بوده و مبتنی بر خواب است. زیارتگاه سخی در کابل که قبر برخی علمای شیعه آنجاست. در خواب دیده‌اند حضرت علی(ع) به اینجا آمده است. یا زیارتگاه بند امیر در بامیان مبتنی بر خواب است. در جوپار کرمان قدمگاه حضرت اباالفضل(ع) وجود دارد. پرسیدم: «حضرت اباالفضل کی به اینجا آمده است؟» که گفتند در خواب او را دیده‌اند.

گونه‌شناسی مزور از دیگر مسائلی است که در تاریخ اجتماعی زیارت شیعه می‌توان به آن پرداخت؛ برای نمونه انبیا، ائمه، امامزاده‌ها، علما، مشایخ و شهدا که تنوع و تعدد در آن‌ها مطرح است. از نکته‌های جالب این است از صفویه به بعد مزارات اهل سنتی وجود دارد که امروز به مزار شیعی تبدیل شده‌اند؛ امامزاده طاهر کرج یکی از این نمونه‌هاست. سمعانی که قاضی کرج در قرن ششم هجری بوده، می‌گوید: «رأیتُهُ بکرجَ وکانَ سیِّداً جلیلاً شافعیاً». درباره مهم‌ترین مزارات زیدی در ایران قبلاً سخنرانی داشتم. یکی از مهم‌ترین مناطقی که معرفی کردم و کمتر به آن توجه شده قزوین است. بیشتر مزارهای قزوین سادات زیدی مذهب‌اند. حالا چه اتفاقی برای آن‌ها می‌افتد؟ این‌ها پس از صفویه به مزارات شیعی تبدیل می‌شوند. یا مزار شازده حسین قزوین یک سال پس از پایتخت شدن، در آن را شاه طهماسب ساخته و کتیبه آن بر همین دلالت دارد.

از دیگر مسائل مهم در بررسی تاریخ اجتماعی زیارت شیعه، شناخت کارکردهای زیارت در تجربه زیسته مردم مانند طلب شفا، توبه، ادای نذر، کسب آرامش؛ عبرت‌پژوهی تاریخی مسائل و مشکلات زائران؛ بررسی نقش مزارات به عنوان عامل هویت‌ساز اجتماعی و تأثیر زیارت بر حیات اجتماعی شهرهای زیارتی است. تاریخ اجتماعی اقلیت‌های مذهبی در نسبت با مذهب غالب، مثل زیارت زائران شیعه مدینه از دیگر مسائلی است که می‌توان به آن‌ها پرداخت.

■ امتیازات پژوهش در خصوص تاریخ اجتماعی زیارت از صفویه تا قاجاریه

خوب است بحثی هم درباره منابع داشته باشیم. اگر کسی بخواهد تاریخ اجتماعی زیارت در ایران را آغاز کند، مقطعی که پیشنهاد می‌کنم از آغاز صفویه تا پایان قاجاریه است. چند دلیل هم دارم؛ یکی اینکه به امروز ما شبیه‌تر است یعنی رسمیت تشیع در ایران سبب می‌شود خیلی از مسائل آن دوره با مسائل امروز ما مشترک باشد. اما فقط این نیست. در مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران قدیمی‌ترین سندی که داریم متعلق به دوره صفوی است و پیش از آن سند نداریم. بنابراین ما از دوره صفوی به بعد علاوه بر متون مکتوب، سند هم داریم. همین‌طور کلی سفرنامه داریم. فردی سفرنامه‌های مستشرقان از قرن ۱۶میلادی به بعد را بررسی کرده بود و می‌گفت ۶۰درصدش به ایران مربوط می‌شد. درباره سفرنامه‌ها ملاحظه‌ای وجود دارد و آن هم این است که چگونه می‌توانیم به آن‌ها اطمینان کنیم. نخست چاره‌ای نداریم، زیرا آن نگاه بیرونی چیزهایی را می‌بیند که نگاه درونی نمی‌بیند. نگاه بیرونی مثلاً در یک مراسم عزاداری به جزئیات توجه می‌کند. نگاه بیرونی را نمی‌توان از دست داد ولی باید احتیاط کنیم. باید پیش‌فرض‌های مستشرقان درباره ایران را بهتر بشناسیم. مثلاً اینکه برخی از آن‌ها گمان می‌کنند ایران کشوری عقب‌مانده و وحشی بوده؛ برخی فکر می‌کردند ایران کشوری اسطوره‌ای بوده و برخی نگاه فرهنگی به ایران داشتند؛ اگر این‌ها به صورت تطبیقی بررسی شود اشکالاتش کمتر می‌شود. کتاب‌های خاطرات هم یکی از آن منابع است. به‌خصوص در دوره قاجار انواع و اقسام خاطرات را داریم. مثلاً خاطرات عین‌السلطنه با جلدهای فراوان. این‌ها چون به جزئیات توجه کرده‌اند قابل استفاده‌اند. از همه منابع مکتوبی که در قرون مختلف بوده می‌شود استفاده کرد. مثلاً رساله دکترای خود با عنوان تاریخ اجتماعی شیعه در پنج قرن نخست هجری را بر اساس رجال نجاشی نوشته‌ام. در دوره قاجار هم همین‌طور است. در کتاب «طرائف‌المقال» بروجردی اطلاعاتی درباره حرم حضرت عبدالعظیم، تعداد زائران، نام تولیت و جایگاه هر یک نزد ناصرالدین شاه می‌دهد که در هیچ یک از کتاب‌های دوره قاجار یافت نمی‌شود.

دانستنی‌های زائر

چگونه از خدمات بیمه اربعین استفاده کنیم؟

با وجود تأکید ستاد مرکزی اربعین برخی از زائران نه تنها در سامانه سماح ثبت‌نام نمی‌کنند بلکه بیمه را نیز نمی‌پردازند که این امر موجب تحمیل هزینه‌های بالا به زائران می‌شود. به گفته مسئولان کمیته ثبت‌نام و اعزام ستاد مرکزی اربعین، در روزهای گذشته سه نفر از زائران کشورمان در عراق جان باخته‌اند که هیچ‌کدام از این سه نفر هم بیمه نبودند. در صورتی که با پرداخت حق بیمه ۱۸هزار تومانی، ۳۰۰ میلیون تومان غرامت فوت به خانواده جان‌باختگان پرداخت می‌شد. ممکن است این پرسش مطرح شود که زائران پس از نام‌نویسی در سامانه سماح و پرداخت ۱۸هزار تومان حق بیمه، چگونه از خدمات بیمه بهره‌مند می‌شوند؟

به گزارش خبرگزاری فارس، یکی از شروط سفر اربعین نام‌نویسی در سامانه سماح است، اما تاکنون فقط حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در این سامانه ثبت‌نام کرده‌اند. دلیل اصرار ستاد اربعین برای ثبت‌نام در سامانه سماح، برنامه‌ریزی بهتر به منظور ارائه خدمات مناسب به زائران و استفاده از بیمه برای جلوگیری از هزینه‌های اضافه در صورت بروز بیماری یا مشکلی در این سفر معنوی است.

اما وقتی در سامانه سماح ثبت‌نام و هزینه ۱۸هزار تومان حق بیمه اربعین را پرداخت کردیم، پس از بروز مشکل چگونه می‌توانیم از آن بهره بگیریم؟

خدمات بیمه شامل زائرانی است که پس از نام‌نویسی در سامانه سماح با گذرنامه معتبر به صورت قانونی عازم عراق شوند؛ پوشش بیمه‌ای هر یک از بیمه‌شدگان در مسیرهای هوایی از زمان ورود به خاک کشور عراق آغاز و در طول مدت اقامت در شهرهای نجف اشرف، کربلای معلی، کاظمین و سامرا و مسیرهای منتهی به آن‌ها ادامه خواهد داشت و تا ساعت ۲۴ روز بعد از خروج بیمه شده از خاک عراق و ورود به کشور خاتمه می‌یابد. همچنین پوشش بیمه‌ای هر یک از بیمه‌شدگان در مسیرهای زمینی از فاصله ۵۰کیلومتری مرزهای زمینی خروجی آغاز و در طول مدت اقامت در شهرهای نجف اشرف، کربلای معلی، کاظمین و سامرا و مسیرهای منتهی به آن‌ها ادامه خواهد داشت و تا ساعت ۲۴ روز بعد از خروج بیمه شده از خاک عراق و ورود به کشور به پایان می‌رسد.

در صورتی که هر یک از بیمه‌شدگان تا ساعت ۲۴ روز سوم ورود به کشور علائم بیماری کرونا (مشروط به ارائه نتیجه تست مثبت PCR) و نیاز به ادامه درمان داشته باشند، زیر پوشش بیمه خواهند بود.

مدت پوشش بیمه‌ای هر یک از بیمه‌شدگان در عراق حداکثر ۳۰ روز است که معیار محاسبه آغاز پوشش بیمه در عراق، مهر ورود اداره گذرنامه است. در صورت ایجاد خسارت برای هر یک از بیمه‌شدگان، باید حداکثر تا ۴۵ روز از تاریخ انقضای قرارداد، مراتب به بیمه‌گر اعلام و مدارک و مستندات ارسال شود.

در صورت بروز هرگونه حادثه مشمول تعهدات بیمه‌نامه و کسب اطلاعات در خصوص دریافت خسارت در کشور عراق، زائران می‌توانند با شماره ۰۰۹۶۴۶۶۱۲ و در ایران با شماره ۰۲۱۸۹۴۳ داخلی ۲ تماس بگیرند.

بنا بر این گزارش، نام‌نویسی در سامانه سماح برای متقاضیان زیارت اربعین تا ۲۶ شهریورماه ادامه دارد.

تا اربعین

رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور خبر داد

راه‌اندازی «موکب مادر و کودک» و شهربازی معارفی برای زائران اربعین

حجت‌الاسلام خداداده از حضور ۲۰۰ موکب از کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور برای خدمت به زائران خبر داد و گفت: همچنین «موکب مادر و کودک» و شهربازی معارفی به همت بچه‌های مسجد راه‌اندازی شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت‌الاسلام «کمال‌الدین خداداده» رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور با اشاره به ویژه‌برنامه‌های ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور در کنگره عظیم اربعین حسینی اظهار کرد: تلاش ما این است بتوانیم از قامت فعالیت‌های مسجدی اعضای کانون‌ها به زائران اباعبدالله‌الحسین(ع) در عرصه‌های مختلف خدمت کنیم و با همین نگرش است که شعار امسال ستاد در کنگره اربعین را «از مسجد محل تا آسمان حرم» قرار دادیم.

حجت‌الاسلام خداداده با بیان اینکه موکب‌های متعددی از سوی اعضای کانون‌های مساجد کشور در خدمت زائران حسینی هستند، تصریح کرد: این موکب‌ها در سه محور عملیاتی «داخل ایران»، «مرزهای ورودی به کشور عراق» و «مسیر نجف تا کربلا» فعالیت خواهند داشت.

وی گفت: همچنین طرح استقبال و خدمت‌رسانی کانون‌های مساجد به زائران خارجی اربعین حسینی که از مرز شرقی وارد ایران می‌شوند، در دستور کار قرار گرفته است، ضمن اینکه استقبال از موکب‌های کانونی توسط کانون‌های مساجدی که در مسیر رفت و برگشت این موکب‌ها قرار دارند نیز از دیگر اقداماتی است که در طول برگزاری کنگره عظیم اربعین حسینی به همت بچه‌های مسجد صورت می‌پذیرد.

رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور افزود: امسال در اربعین ۱۴۰۱ کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد از نقطه صفر مرزی در شرق کشور یعنی محل ورود زائران کشورهای پاکستان، افغانستان و هند تا مرزهای غرب و جنوب غرب کشور و همچنین در کشور عراق به زائران اربعین خدمت می‌کنند.

وی ادامه داد: امسال ۲۰۰ موکب از کانون‌های فرهنگی هنری مساجد سراسر کشور در جریان کنگره عظیم اربعین حسینی فعالیت دارند که از این تعداد ۵۰ موکب در کشور عراق و ۱۵۰ موکب در داخل کشور مستقر هستند.

حجت‌الاسلام خداداده افزود: همچنین در بین‌الحرمین و در طول مسیر نجف به کربلا نیز غرفه‌های هنرهای تجسمی به همت اعضای کانون‌های مساجد برپا شده تا به وسیله زبان هنر، فرهنگ عاشورایی تبیین شود.

رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور در بخش دیگری از مباحث خود با اشاره به راه‌اندازی موکب «مادر و کودک» گفت: با هدف بهره‌برداری از ظرفیت‌های اعضای کانون‌های مساجد، موکب «مادر و کودک» در فضایی به مساحت تقریبی ۶۰۰ متر برپا می‌شود، این موکب در بخشی از فضای موکب حضرت زهرا(س) کانون فرهنگی هنری «شهید علی گراییلی» فعالیت خواهد داشت.

وی ادامه داد: یکی از بخش‌های موکب مادر و کودک، شهربازی معارفی است که با همکاری کانون فرهنگی هنری «تبیان» از شهر مقدس قم راه‌اندازی شده و در آن، فعالیت‌های مختلفی از جمله نمایش عروسکی با همکاری کانون فرهنگی هنری «توانا» از استان تهران اجرا می‌شود.

حجت‌الاسلام خداداده تصریح کرد: همچنین تبلیغ و مشاوره خانوادگی به سه زبان انگلیسی، فارسی و عربی به زائران ارائه می‌شود که در این بخش از ظرفیت طرح «چهره به چهره» و سازمان تبلیغات اسلامی استفاده شده است.

وی گفت: غرفه خلاقیت کودکان با محوریت طراحی و نقاشی، فراهم‌سازی اسکان مناسب و امکانات برای مادران، اختصاص بخشی از فضای موکب برای بازی کودکان و تهیه اسباب‌بازی از جمله دیگر مواردی است که در موکب مادر و کودک ارائه می‌شود.

عکس‌نوشت

چشم همه تاریخ

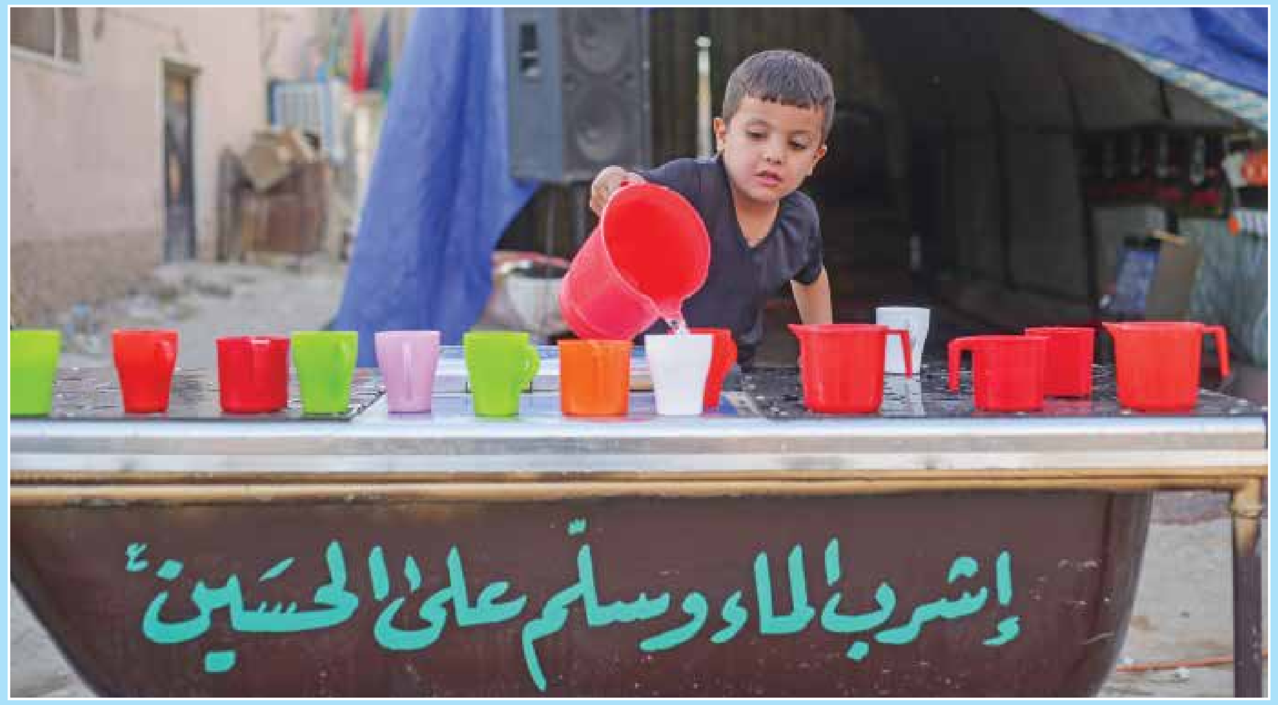
إشرب الماء وسلم على الحسين

عکس: وحید بیات

شریف (در عربی به معنی نجیب، مهتر و همچنین رفیع و قوی در مقابل وضیع و ضعیف) در بین اعراب عنوان هر مردی است که به سبب مفاخر اجدادی خویش از اشخاص عادی برتر شمرده شود؛ این برتری که از طریق پدر به پسر منتقل می‌شود «شرف» خوانده می‌شود (دایره المعارف فارسی مصاحب).

در اربعین در گوشه و کنار در حال بخشیدن هستند. کودکی یا جوانی، میانسالی یا کهنسالی، مردی یا زنی.

و نوشته‌اند چرا می‌بخشند بی‌دریغ؛ «خدمه لزوار الامام الحسین شرفنا».

اینجا و اکنون شرف از پدر به ارث نمی‌رسد. در امت واحده، شریف خادم‌الحسین است.

برای فهم اربعین، باید دیده باشی زندگی روزمره در عراق را؛ اینکه مردان چگونه‌اند، اینکه زنان چگونه اند، اینکه زندگی چه شکلی دارد.

اگر این‌ها را دیده باشی تصدیق می‌کنی در اربعین انقلاب می‌شود؛ انقلاب عقیده، انقلاب رفتار و انقلاب جسم. غرور اجدادی‌ات، نسب قبیله و عشیره‌ات می‌شود خدمت به زائر حسین(ع)، تو اینجا نماینده همه نسل‌هایی، همه نسل‌هایی که امکان مشاهده این عظمت و شکوه را نداشتند. تو در اینجا چشم همه تاریخ هستی.

(اربعین جهانی دیگر، سوره مهر، ۱۳۹۸، ص ۲۸۲)

إن له غیبة
یکثر
أیامها و
یطول
أمدها
فینتظر
خروجه
المخلصون
و ینکره
المرتابون

حضرت دارای غیبتی است که روزهایش زیاد ومدتش طولانی است. پس افراد مخلص منتظر ظهور او و افراد شکاک مُنکر او هستند.

فرهنگ‌نامه اربعین

زیارت‌نامه صفوان

تنها زیارت‌نامه مأثوره و صادر شده از اهل بیت(ع) در مورد روز اربعین، زیارت‌نامه‌ای است که صفوان بن مهران، از امام صادق(ع) روایت نموده و شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام و کتاب مصباح المتهجد، آن را به سند خود نقل کرده است و با این عبارات شروع می‌شود: «السلام علی ولی الله و حبیبه، السلام علی خلیل الله و نجیبه...»